

سیر تکاملی غزل از «تغزل» در مکتب خراسانی تا «مینی مال تغزلی»

فصل نامه علمی - تخصصی شیرین و شکر
سال اول، شماره اول/ بهار ۱۴۰۱ (۲۰۶-۱۸۷)
مقاله پژوهشی

سیر تکاملی غزل از «تغزل» در مکتب خراسانی تا «مینی مال تغزلی»

سمیه کریمی^۱

چکیده

این قالب از شعر پارسی قدمتی طولانی دارد که در طول تاریخ ادبیات فارسی توانسته پایه پای ذوق ایرانی حرکت کند البته بعد از شکل گیری شعر نو و بعدها شعر سپید عقیده بر این بود که غزل دیگر نتواند حرفی برای گفتن داشته باشد اما این قالب از شعر نو و سپید وام گرفته و توانست بار دیگر زندگی تازه‌ای را از سرگیرد. سرچشمه غزل از تغزل است و تغزل که فرزند مکتب خراسانی است با گذشت زمان، آرام آرام صیقل یافت؛ با سنایی به رسمیت شناخته شد و با سعدی، حافظ و مولانا به معنای واقعی کلمه غزل شد. بدون تردید در سایه استقلال فکری و اندیشه و رها شدن از قید زنجیرهای قطعیت فرآیند تازه‌ای از چینش کلمات در اشعار نمود پیدا کرد که غزل نیز از این قاعده مستثنی نبوده و در نهایت با غزل مینی مال در مکتب عربانیسم، شاعر بدور از تکلف و پوشیده سخن گفتن، در نهایت برهنگی واژه‌ها و در سایه ایجاز کلام به غزل جانی دوباره بخشید در جریان این مقاله با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و با روش توصیفی - تحلیلی به چگونگی پیدایش غزل، نحوه دگرپرسی آن از ادوار گذشته تا عصر حاضر و همچنین به بررسی نوآوری‌های آن در مکتب اصالت کلمه پرداخته می‌شود.

واژه‌های کلیدی: غزل، تغزل، مغازله، مکتب خراسانی، مکتب عربانیسم، غزل مینی مال

^۱ کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی واحد علوم و تحقیقات Somayah.karimi6565@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۱۰

۱- مقدمه

غزل از جمله قالب‌های شعر سنتی است که عموماً بین پنج تا دوازده بیت دارای وزن واحد است که جمیع مصارح دوم با بیت اول یا مطلع آن هم قافیه هستند. غزل در ابتدا اشعار ملحون و ترانه‌هایی بود که خنیاگران آن را با موسیقی آمیخته و می‌خواندند. به اعتقاد همایی اصطلاح غزل در قدیم، مخصوص اشعار غنایی و سروده‌های آهنگین عاشقانه بوده که با الحان موسیقی تطبیق می‌شده و آن را با ساز و آواز می‌خواندند و در عدد ابیات و سایر خصوصیات نیز شرط و قیدی نداشت. غزل به معنی مصطلح امروزی از قرن ششم به بعد دارای وضع مشخصی گردید و بعد از آن طبق قانون تکامل و تحول ادبی تغییراتی داشت. در واقع شروع غزل در تاریخ ادبیات فارسی با مقطعاتی ملحون همراه بود که در ابتدا بر وزن رباعی رواج داشته و تا قرن پنجم نیز مرسوم بود. بعد از آن به تغزل قصیده، غزل می‌گفتند و تا قرن نهم و دهم نیز معمول بوده و نهایتاً غزل به معنی مطلق یعنی شعر عاشقانه و مصطلح امروزی رواج پیدا کرد.

«زمانی که غزل شکل و ظاهر حقیقی خود را در قرن ششم بروز می‌دهد افرادی که صاحب سبک شدند جریاناتی را در شاعری ایجاد کردند که نمونه این جریانات و اولین گام‌های تغییر با ورود عرفان و تصوف نمود پیدا می‌کنند بعد از آن نیز وقایع تعلیمی، عرفانی، مضامین مدحی و انتقادی و سیاسی به مرور جای خود را در غزل فارسی پیدا می‌کنند و عده کثیری به تبع آن در معرض دید مخاطبان قرار گرفتند. در نهایت در اواخر قرن بیستم دریچه تازه‌ای از تلفیق افق‌های مینی‌مالیست و عریانیسم تحت عنوان غزل مینی‌مال بر دنیای غزل باز می‌شود.» (کریمی، ۱۴۰۱: ۵)

۱-۱- بیان مسأله و سؤالات تحقیق

مسئله بنیادی در این است که چرا از دیرباز غزل‌ها در سایه اوزان سنگین و آرایه‌های ادبی متفاوت مرتباً تکرار می‌شدند و شاعران از مکرر گفتن و شنیدن نه تنها خسته نمی‌شدند بلکه خارج از این چهارچوب را نفی می‌کردند چه بسا برخی از

سیر تکاملی غزل از «تغزل» در مکتب خراسانی تا «مینی مال تغزلی»

شاعران در عصر حاضر هنوز هم دست از مخالفت بر نداشته و تمایل به سرایش غزل به شیوه گذشته دارند. در این مقاله علاوه بر پرداختن به این مسئله به روند دگردیسی غزل طی قرن‌های متمادی و وجه تمایز غزل سنتی با غزل مینی مال پرداخته می‌شود و دیگر اینکه چه شاخصه‌ای در غزل مینی مال وجود دارد که علاوه بر فشردگی و ایجاز، کلمات راحت‌تر و دل‌نشین‌تر شاعرانه می‌شوند.

۱-۲- اهداف و ضرورت تحقیق

پژوهش حاضر بر آن است تا به‌طور اجمالی، ضمن بررسی غزل در انواع سبک‌ها به تاریخچه پیدایش غزل و چگونگی گذر آن در تاریخ و وجه تمایز غزل سنتی با غزل امروز را مورد بررسی قرار دهد.

۱-۳- پیشینه تحقیق

کتب و مقالات مشابهی در باب سیر غزل فارسی از گذشته تا به امروز به چاپ رسیده است: آذربیک (۱۳۹۷) در *دوشیزه به عشق باز می‌گردد*؛ تاریخ‌نامه تحلیلی و آکادمیک غزل از آغاز تا غزل مینی مال را بررسی کرده است. شمیسا (۱۳۷۰) در *سیر غزل فارسی*، به معنای لغوی غزل، تاریخچه و تغییر و تحول آن پرداخته؛ مافی (۱۳۹۸) در *بررسی سیر تحول غزل*، به غزل مشروطه می‌پردازد. کلهر (۱۳۹۷) در مقاله «بررسی روایت از آغاز تا غزل مینی مال» به توضیحاتی در مورد انواع غزل روایی، مینی مال و مینی مالیسم پرداخته است. در این مقاله سعی شده اولاً منشأ پیدایش غزل و سیر تکاملی آن در گذر تاریخ، ثانیاً دیدگاه‌ها و جهان‌بینی‌های نوین در پیدایش مضمون‌های متفاوت غزل مورد بررسی قرار گیرد.

۲- بحث و یافته‌های تحقیق

۲-۱- غزل کلاسیک

۲-۱-۱- تغزل در مکتب خراسانی

در دوره خراسانی، سایه غزل بر قصیده سنگینی می‌کرد و ویژگی سبکی در سیطره قصیده بود «شعر به سبک خراسانی ترکیبی از مضامین بزم و شادخواری و طبیعت‌گرایی، حکمی، تعلیمی و حماسی است که غالب غزل هم از این قاعده مستثنی نیست.» (نوریخس، ۱۳۹۶: ۴) «تشبیب و مدح و شریطه و دعای تأیید از زمان رودکی مرسوم شد و غزل به معنی مصطلح بسیار کم بود.» (شمیسا، ۱۳۷۰: ۶۶) تغزل، غزلی است که در اول قصیده می‌آید و شاعران در آن از عشق و عاشقی یا وصف معشوق، طبیعت و نظایر آن سخن می‌رانند و سپس آن ابیات را به واسطه مصراع یا بیتی به ممدوح پیوند می‌دادند. زبان تغزل در قرن ششم، همان زبان اسلوب خراسانی است یعنی کلمات غالباً فارسی و یا به شکل فارسی هستند. وزن شعر سنگین می‌نماید و به وسیله سخته، تشدید، تخفیف، کشیدن مصوت‌های کوتاه و اعمال برخی از قواعد عروضی کم استعمال از قبیل قلب و... طنطنه تشبیهات و استعارات ساده هستند و معمولاً در آن مطالب دور از ذهن دیده نمی‌شود. (همان: ۴۱) در اواخر قرن ششم قصیده رو به زوال رفت و در قرن هفتم غزل، رسماً جای قصیده را گرفت.

۲-۱-۲- غزل به سبک عراقی

در قرن هفتم، بعد از حمله مغول شعر به سبک خراسانی منحل گردید و چون شعر در آن زمان از خراسان به عراق عجم منتقل شده بود به سبک جدید، عراقی می‌گفتند. اساس سبک عراقی همان سبک خراسانی است با این تفاوت که در آن شاعران به حکمت و فلسفه و منطق گرایش پیدا کردند. تضمین و اشاره به آیات و احادیث عربی، اشعار معروف عربی، اخبار و احوال انبیاء و صنایع مختلف بدیع از خصایص ممتاز و چشم‌گیر سبک عراقی به‌شمار می‌روند. سعدی، خاقانی، نظامی، عطار، مولوی و حافظ از شاعران معروف این دوره‌اند.

سیر تکاملی غزل از «تغزل» در مکتب خراسانی تا «مینی مال تغزلی»

۲-۱-۳- دوره تیموری و عهد شاهرخ

نیمة اول قرن نهم به عهد شاهرخ معروف است. «در این دوره بازار شعر و شاعری رواج داشت و از هنر و ادب حمایت می‌شد. اصولاً شاهزادگان تیموری به ویژه بایسنقر پسر شاهرخ حامی شعر او بودند و هرات، دربار شاهرخ مرکز ادبی آن دوره بود.» (همان: ۱۴۵) غزل عارفانه در این دوران طرفداران بسیار داشت اما بعد از مرگ شاهرخ این شور و شوق سطحی فروکش کرد و دوباره در عهد سلطان حسین بایقرا و وزارت علی شیر نوایی، هرات مرکز ادبی شد. لطف‌الله نیشابوری، شاه نعمت‌الله ولی، کاتبی ترشیزی، عصمت بخارایی، شهاب ترشیزی از شاعران مشهور این عهد هستند.

۲-۱-۴- غزل در دوره دوم تیموری

در این دوره نیز عیناً اوضاع و احوال دوره قبل به چشم می‌خورد «در این میان بازار تصوف سخت پر رونق است اما از اصالت قبل برخوردار نبود بلکه شدیداً جنبه ابتذال و ریاکاری یافته بود.» (همان: ۱۴۹) صورت غزل در این دوره تغییری نکرد بلکه مرتب‌تر هم شد. ابیات غزل به حدود هفت بیت نزدیک شد و تخلص از ملزومات آن گشت. در شعر این دوره لغات مغولی و ترکی و گاهی عامیانه گنجانده شد و «از نظر معنی، شعر در منجلاّب ابتذال و انحطاط افتاد. معانی تکراری، تشبیهات و استعارات کهن فرسوده بسیار گشت.» (همان: ۱۵۰) شاعر معروف این دوره جامی بود. برخی جامی و باباغانی را از پیشگامان سبک هندی دانسته‌اند زیرا در آثار آنان ابیات نزدیک به سبک هندی نیز دیده می‌شود.

۲-۱-۵- غزل دوره حد واسط

غزل حد واسط در اواخر قرن نهم در دوره زمانی بین سبک عراقی دوره تیموری و سبک هندی پدیدار شد. از جمله شاعران این دوره باباغانی را می‌توان نام برد. «در اوایل قرن دهم باباغانی و شیوه او بود که غزل را از انجماد و دوره فترت بعد از حافظ بیرون آورد و به آن حیاتی تازه بخشید البته در زمان وی اشعارش را نمی‌پسندیدند و منکر آن طرز بوده‌اند زیرا که سخنانش منافی طرز آنها بود.» (صفا، ۱۳۶۴: ۱۸۲) برخی باباغانی را تجدیدکننده شیوه لسان‌الغیب در عهد خود دانسته

و او را حافظ کوچک لقب داده‌اند زیرا طرز خود را به غزل حافظ نزدیک کرده و ملاحظت شعر و رندی کلام حافظ در ابیات و غزلیات او نمایان است.

۲-۱-۶- غزل در مکتب وقوع

مکتب وقوع، نیز سبکی بود بین سبک عراقی و سبک هندی که در ربع اول قرن دهم شکل گرفت. اشعار وقوعی، بیان‌گر واقعیات و بیان اتفاقات بین عاشق و معشوق است. «این سبک تحول زیادی در شعر فارسی از لحاظ رابطه عاشق و معشوق به وجود آورد. بر خلاف غزل‌های سبک عراقی که مبتنی بر خیال بود این اشعار به جزئی‌ترین واقعیات می‌پرداخت. زبان این سبک عامیانه است و از لحاظ ادبی به مسائل بدیع و بیان بی‌توجه است. (مهدی‌پور، ۱۳۹۲: ۶) وحشی بافقی و محتشم کاشانی، از شاعران معروف این سبک هستند.

۲-۱-۷- غزل به سبک هندی

حدود صد سال بعد از ایجاد مکتب وقوع و در اوایل قرن یازدهم سبک هندی پدیدار شد. این سبک در اصفهان بوجود آمد اما چون در عصر صفوی به شعر توجه چندانی نمی‌شد؛ شاعران آن زمان به هند سفر کردند و در دربار سلاطین گورکانی مقیم گشتند. شاعران این سبک به موضوعاتی مثل اندرز، مضمون آفرینی و باریک‌اندیشی روی آورده و تبدیل موضوعات کهن به شیوه‌های نو در میان شاعران اوج گرفت. به مرور شعر از حوزه شاعران خارج و وارد کوچه و بازار شد. از این رو هر چند دایره واژگان در شعر گسترش یافت ولی به دلیل کم توجهی شاعران کوچه و بازاری به آرایه‌های ادبی، شعر این دوره صلابت و استواری پیشین خود را از دست داد. شعر هندی شعری معنی‌گراست نه صورت‌گرا و از شاعران معروف این دوره می‌توان، کلیم کاشانی، صائب تبریزی و بیدل دهلوی را نام برد.

۲-۱-۸- غزل دوره بازگشت

این دوره از اواسط قرن دوازدهم تا پیدایش ادبیات مشروطه در اوایل قرن چهاردهم ادامه داشت. همان‌طور که گفته شد در غزل به سبک هندی بیشتر به مضمون و

سیر تکاملی غزل از «تغزل» در مکتب خراسانی تا «مینی مال تغزلی»

محتوی ترتیب اثر داده می‌شد. به مرور زمان و بعد از گذشت سال‌ها این افراط در معنی‌گرا بودن سبب ساز تکلف در شعر آن زمان شد؛ چه بسا که دیگر فهم آن برای عوام مشکل بود زیرا شاعران به فکر پیروی از اسلوب‌های کهن شعر فارسی به سبک خراسانی و عراقی افتادند و از آن جایی که شاعران این دوره تسلط کافی به ویژگی‌های سبکی شعر قدیم را نداشتند. در شعر این دوره از تشبیه و استعاره و مجاز کمتر استفاده می‌شد. صبای کاشانی، نشاط اصفهانی و آذر بیگدلی از بنیان‌گذاران دوره بازگشت ادبی هستند.

۲-۲- دوران معاصر

۲-۲-۱- غزل دوران مشروطه

دوره بازگشت ادبی در زمان مشروطه پایان پذیرفت. «زیرا اولاً قصیده در این سبک، یعنی مداحی با پیدایش مشروطیت، کاملاً از بین رفت و قالب قصیده صرف بیان مطالب دیگری گردید و ثانیاً در غزل شاعر بزرگی ظهور نکرد.» (شمیسا، ۱۳۷۰: ۲۰۳) با این همه غزل‌گویی مبتنی بر تقلید صرف، سال‌ها ادامه یافت. چنان‌که هنوز هم کسانی در آن شیوه، عمر هدر می‌دهند. شرح علل به‌وجود آمدن انقلابات ادبی از دوران مشروطیت به بعد مستلزم بحث‌های مفصل است که در این مقال نمی‌گنجد و غزل این دوران را اجمالاً تحت چند عنوان فرعی مطالعه می‌کنیم:

۲-۲-۲- غزل وطنی

در زمان مشروطیت به مقتضای جبر زمان، مضامین میهنی در تمام قوالب شعری از جمله غزل مرسوم گشت و کسانی چون عارف قزوینی، فرخی یزدی و ابوالقاسم لاهوتی توانستند در قالب غزل اشعار میهنی و اجتماعی بسرایند.

۲-۲-۳- غزل تقلیدی

مقصود از این نوع غزل یعنی کسانی به تقلید از نمونه‌های شعر عراقی و هندی پرداخته و توانستند بدل‌هایی از اشعار قدمای این دو سبک به وجود آورند. نمونه‌های معروف این دو نوع تقلید، رهی معیری و شهریار هستند. «رهی معیری در شعر خود

زبانی پاک و به اصطلاح شسته رفته دارد و غزلیات او بین سبک عراقی و هندی است اما مضامین هندی او نیز فاقد ابتکار و مبتنی بر تقلید و اقتباس است.» (همان: ۲۰۶)

۲-۲-۴- غزل نو یا تصویری

غزل نو با ویژگی‌های خاص ظاهری و معنایی خود، تقریباً از اواخر دههٔ چهل و با غزلیات شاعرانی چون حسین منزوی و سیمین بهبهانی در ادبیات معاصر آغاز گردید. غزل نو حاصل برخورد شعر سنتی فارسی و شعر نیمایی است. در واقع غزل سنتی در حرکت خود به سوی غزل نو از تجربه‌های شعر نیمایی بهره‌های فراوان برد اما این حرکت نیز به یک‌باره اتفاق نیفتاد یعنی آن‌چنان نبود که به‌طور ناگهانی شاعری غزل‌سرا با امکانات شعر سنتی و شعر نو به سرودن غزل نو بپردازد. پیش از دههٔ چهل هم در غزل سنتی و هم در غزل نو این آمادگی برای ظهور غزل نو کاملاً وجود داشت و در واقع بسترهایی فراهم شده بود که ظهور غزل نو را چندان با شگفتی مواجه نکرد. این بسترها همان غزل نیمه سنتی و غزل‌واره یا غزل نیمایی هستند که از قبل در شعر سنتی و نیمایی آماده شدند و مسیر را برای ورود غزل نو آماده کردند.

۲-۲-۴-۱- پدید آمدن دو شاخهٔ غزل روایی و غزل فرم از دل غزل نو

الف- غزل روایی

شیوهٔ داستان‌گویی از روزگار باستان در انواع مختلف ادبیات متداول بود لیکن این شیوه در شعر فارسی بیشتر در قالب غزل جلوه‌گر بوده و جزء ساختار و عنصر اصلی این قالب محسوب می‌شد. در واقع مخاطب با خواندن این‌گونه مثنوی‌ها سرگذشت یا سرنوشتی در یادش تداعی می‌شود. این روایت‌ها گاه حماسی و گاه تعلیمی و یا غنایی بودند؛ لیکن مثنوی تنها قالب بیان داستان نبوده در واقع «برخی منتقدان معتقدند که روایت در غزل شاعران کهن نیز وجود داشت. به‌عنوان مثال یکی از ویژگی‌های غزل مولانا، آوردن داستان در غزل است اما روایت در غزل مولانا و دیگر شاعران عنصر غالب نبود.» (آذریک، ۱۳۹۷: ۱۹) غزل روایی غزلی است که در محور عمودی خود به نقل رویدادی بپردازد. از ویژگی‌های این نوع غزل می‌توان به لحن‌های خطابی، صمیمانه، عامیانه و گفت‌وگو محور بودن در آن اشاره کرد که «شاعران این دوره تلاش

سیر تکاملی غزل از «غزل» در مکتب خراسانی تا «مینی مال تغزلی»

می‌کردند به دور از زبان فاخر غزل گذشته، به تبعیت از لحن صمیمی و عامیانه شعر نیمایی پیش بروند. همچنین از مشخصه‌های غزل این دوره، استفاده از تجربه‌های ملموس زندگی اجتماعی و قابل درک برای مخاطب است. (همان: ۲۰) پایه‌گذار غزل روایی سیمین بهبهانی است

ب- غزل فرم

غزل فرم شاخه‌ای از مکتب فرمالیسم است که در دهه هفتاد با شعر شاعرانی مانند محمدسعید میرزایی و آرش آذربیک و هومن عزیزی در کرمانشاه آغاز شد. در واقع نوآوری‌های آنها در حوزه زبان، فرم و محتوای غزل اکثر جوانان آن دوره را به خود مجذوب کرد. این نوع غزل نه تنها شبیه غزل‌های پیشین نبود بلکه با غزل‌های دهه قبل از خود نیز تفاوت داشت به‌همین دلیل با مخالفت عده‌ای از شعرا و منتقدین روبرو شد اما عده‌ای دیگر از آن حمایت کردند و این جریان را برای ادبیات مفید خواندند. به‌طور کل «منظور از فرم در غزل فرم، قالب بیرونی آن نیست بلکه فراتر از شکل ظاهری آن است. با آنکه شاعرانی مانند عطار، مولانا، حافظ و... هر یک در قالب غزل شعر سروده‌اند اما شعر آنها یکی نیست. این یعنی بر اساس مؤلفه «حقیقت عمیق» در مکتب اصالت کلمه، فرم درونی در آثار هر یک از آنها با حفظ فرم بیرونی با دیگری متفاوت است.» (آذربیک، ۱۳۹۷: ۲۱) مثلاً با آنکه نیما، سهراب و اخوان، نیمایی سرا بودند اما فرم درونی در شعر هر یک از آنها متفاوت است و این شامل دیگر قالب‌های شعری، داستانی و ... نیز می‌شود. به گفته آذربیک، تازگی فرم‌های درونی با حفظ فرم بیرونی و برتری فرم بر محتوا، دو ویژگی غزل فرم است.

«در نیمه دوم دهه هفتاد غزل فرم اگر در مکتب مینی‌مالیست محدود نمی‌شد؛ می‌توانست خودآگاهانه مبدأ و بستر انواع و اقسام فرم‌های درونی در کار شاعرانی باشد که در قالب نیز خواستار متون پیشنهاد دهنده و تجربی هستند. مانند غزل با فرم رئالیستی، باروکیستی، مینی‌مالیستی، پلی‌ژانریک، فرمالیستی، پسامدرنیستی، داستانی، فیلم‌نامه‌ای، نمایشنامه‌ای و حتی با فرم پلی‌کالبدیک که با حفظ بعد ثابت غزل بتواند ساختاری پلی‌کالبدیک به خود بگیرد بدون آنکه بخواهیم برای هر کدام از این فرم‌های درونی مانیفست و دار و دسته‌ای جداگانه سامان دهیم اما شوربختانه

غزل فرم در نگاه برخی تنها در بستر فرمالیستی آن محدود و محصور و در یکی دو کتاب، تئوری-متن آن پیشنهاد، تجربه و تمام شد. بنابر این غزل فرم به معنای محدود فرمالیستی آن در ایران به نوعی روایت‌گر سوق دارد و همین‌گد واژه روایت، وجه اشتراک آن با غزل روایی است؛ هرچند که در غزل فرم روایت‌ها هنری‌تر جلوه‌نمایی می‌کنند.» (همان)

۲-۲-۵- غزل مینی‌مال

غزل مینی‌مال پیوند ادبیات کلاسیک ایران با ادبیات مینی‌مالیست غرب است. «مینی‌مالیسم یا کمینه‌گرایی مکتبی است که با شعار «کم زیاد است» بر ایجاز افراطی تأکید دارد و توسط هنرمندان ساختارگرای روس، پس از انقلاب اکتبر روسیه ظهور کرد. سپس در آمریکا به صورت جنبشی هنری در آمد که فزون بر ادبیات، در تئاتر، نقاشی، مجسمه‌سازی و... نیز نمود یافت. ریشه بروز و شکوفایی مینی‌مالیسم در آمریکا را باید در شرایط اجتماعی حاکم بر آن سرزمین، تبعات جنگ ویتنام، واکنش جهانی به زیادی خواهی آمریکا، بی‌حوصلگی و کم حرفی نویسندگان، کاهش میزان مطالعه مخاطبان و گرایش مردم به تلویزیون و سینما جست‌وجو کرد. از این رو قالب و ساختار داستان‌ها کوچک شدند و میزان خلق آثار ادبی پایین آمد. (همان، ۱۳۹۹: ۹۸) «ریشه غزل مینی‌مال را نیز در هزاره سوم می‌توان جست. در عصری که کنار هم بودن انسان‌ها به حداقل رسیده و حتی حرف زدن عاشق و معشوق هم به پیام‌های کوتاه تقلیل یافته و دیگر اطناب در غزل جایگاه آنچنانی ندارد.» (همان، ۱۳۹۷: ۷۰)

غزل مینی‌مال برای نخستین بار توسط آرش آذربیک و با ارائه مانیفست آن در مجموعه *لیلا زانا- دختر اسطوره‌های سرزمین من* در بهار ۱۳۸۳ همراه با آثاری در این ژانر منتشر شد. آذربیک با معرفی غزل مینی‌مال «سبک خاص خود را در فرم و محتوای غزل ارائه داد. کلامی مبتنی بر روایت، دیالوگ و داستانک‌های کوتاه مینی‌مالیستی واضح، شفاف و ساده که زبان فاخر را به خدمت گرفت و این زبان را به گفتار نزدیک کرد.» (مسیح، ۱۴۰۰: ۶۳) «ریشه‌گاه بنیان روایت این اندیشه در نیمه دوم دهه هفتاد تحت تأثیر مستقیم فضا و روح غالب ایران آن زمان است که در آن مباحثی چون جامعه معدنی و تجربه مدرنیسم در بافتار و ساختار جامعه سنتی ایران دغدغه

سیر تکاملی غزل از «تغزل» در مکتب خراسانی تا «مینی مال تغزلی»

اصلی جوانان و نخبگان آن روزگاران بود. نمود این اندیشه به نظریه ضد غزل سیمین بهبهانی و عدم جابه‌جایی ابیات با حذف شاه بیت محوری و طرح نظریه کلمه-شهروندی توسط آذرپیک به‌عنوان یک جریان مستقل پسا سیمینی در غزل نوین ایران، در مطبوعات آن زمان کرمانشاه، اهواز و سنجند انجامید. غزل مینی‌مال درنگی است هنری - شعوری بر این دغدغه‌ها که اندک اندک تأثیر خود را بر غزل ایران گذاشت و برخی شاعران جوان نیز در آثار خود در دهه‌های هشتاد و نود به تجربه‌های مینی‌مالیستی در غزل‌هایشان پرداختند. از کتبی که در آنها نام و آثار مینی‌مالیستی منتشر شده؛ می‌توان به *فرازن- بانوی عاشقانه‌های زمین، بین دو عشق، دوست داشتنت /تفاقی است؛ می‌افتد و...* اشاره کرد. ویژگی‌های غزل مینی‌مال را در یک جمع‌بندی اجمالی این‌گونه بر شمرد:

- ترجمه پذیرترین ژانر غزل ایران به دلیل پای‌بندی به مؤلفه‌هایی مانند به حداقل رسانیدن ترکیب سازی‌های شاعرانه و تتابع اضافات، به حداقل رسانیدن زبان استعاری و...

- قابلیت دگرگونی غزل مینی‌مال در صورت ترجمه از ژانر غزل مینی‌مال به داستان مینی‌مال تغزل آمیز

- داشتن عاطفه و تغزل به دور از اطناب

- اعتقاد به کلمه-شهروندی و برابری ادبیات

- بهره‌جویی از تمام تکنیک‌ها و دست‌آمدهای فنی در ادبیات مینی‌مالیست جهان در عین فرآوری از ایدئولوژی بسته سیستم مینی‌مالیستی

- حضور دیگری با گسترش فضای دیالوگی

- به حداقل رسانیدن صنایع، بدایع و آرایه‌های ادبی به گونه‌ای که شعریت در

غزل مینی‌مال آرایه محور نباشد.

- به حداقل رسانیدن جلوه‌های ویژه شعری به گونه‌ای که ادبیت متن برآیند جلوه

آفرینی‌های ایماژیک محض در شعر نباشد.

- به حداقل رساندن ترکیب سازی‌های شاعرانه

- نمود تغزلی نوین همگام با هزاره سوم با به حداقل رسانیدن روح مشترک تمام جریانات غزلی مشترک پیشین یعنی به حداقل رسانیدن فضاهای تشریحی، توصیفی، توضیحی و اطناب تغزلی. (همان: ۱۵۷)

۲-۲-۵-۱- انواع غزل مینی‌مال از نگره فرم

الف- داستانی کامل و شاعرانه: مانند غزل مینی‌مال «دار قالیچه، دختر زیبا...» و «همی آهن اتفاق افتاد» از لیلیا زانا دختر اسطوره‌های سرزمین من و غزل داستان «فاطمه خوشبخت می‌شود» از دوست داشتنت / اتفاق می‌افتد به قلم رحمت غلامی و «آسمان لحظه‌ای خر و پف کرد» از دوشیزه به عشق باز می‌گردد به قلم آرش آذربیک. **ب- برشی معمولی از زندگی:** این نوع، تغزل آمیز بوده و فراز و فرود داستانی ندارد مانند غزل مینی‌مال پیوسته‌ای از آوین کلهر در چشم‌های یلدا و کلمه-کلید جهان هولوگرافیک نوشته آرش آذربیک و همکارانش، «یک روز کاملاً عادی» در دوست داشتنت / اتفاق است؛ می‌افتد به قلم رحمت غلامی و «کفش نو انگشت پا را می‌زند» در دوشیزه به عشق باز می‌گردد نوشته آرش آذربیک. **ج - شعر محور و بدون روایت داستانی:** مانند «راستی گل به نام هم زیباست» از لیلیا زانا دختر اسطوره‌های سرزمین من و «یک خاک پر آشوب متن داستانش» از دوشیزه به عشق باز می‌گردد از آرش آذربیک.

۲-۲-۵-۲- انواع غزل مینی‌مال از لحاظ محتوا

الف- «غزل مینی‌مال ناتورالیستی: ناتورالیسم یا طبیعت‌گرایی جنبش ادبی است که در اواخر قرن نوزده تحت تأثیر نظریات داروین شکل گرفت این جنبش بر پایه یک رئالیسم سفت و سخت اجتماعی بنا شد و به دور از نمادگرایی، ایدئال‌گرایی و احساسات‌گرایی‌های مرسوم، بر جزئیات روزمره زندگی تأکید می‌کرد چرا که رفتار آدمی و سرنوشتش را در چارچوب جبر تحمیل شده از سوی وراثت و محیط به رسمیت م‌شناخت. از نمونه غزل ناتورالیسم می‌توان به «توفان سیاه، باز هم شب» در دوشیزه به عشق باز می‌گردد از آرش آذربیک و «زندگی تکرار نخواستن‌هاست» در دوست داشتنت / اتفاق است؛ می‌افتد از رحمت غلامی اشاره کرد.

سیر تکاملی غزل از «تغزل» در مکتب خراسانی تا «مینی مال تغزلی»

ب- غزل مینی مال کاسموپولیتیستی: یا مکتب جهان وطنی یکی از نگرش‌های ادبی و هنری فلسفه غربی و به‌طور ویژه فرانسوی است که به گفته بانیان آن می‌کوشد مشکلات دست و پاگیر بشری را رفع کند و نمونه شعر این نوع غزل «نقشه» در *لیلازانا دختر اسطوره‌های سرزمین من* از آرش آذربیک.

پ- غزل مینی مال رئالیستی: رئالیسم اعم از اجتماعی یا انتقادی، بیشتر در داستان‌نویسی مطرح است تا شاعری و به همین جهت بیشتر نوشته‌ها و تحقیقات نویسندگان ایرانی پیرامون این مکتب ادبی در داستان‌های معاصر فارسی است. «شعر آذربیک به لحاظ هم افزایی با مکتب مینی مال‌یسم و داستان مینی مال از خصوصیات رئالیستی برخوردار است. هدف رئالیسم، جست‌وجو و بیان کیفیات واقعی هر چیز و روابط درونی ما بین پدیده و دیگر پدیده‌هاست. ادبیات رئالیستی موجودات طبیعی و اجتماعی را به‌عنوان موجودات منفرد و جدا مورد مطالعه قرار نمی‌دهد بلکه با آنها به مانند حلقه‌های زنجیر بی‌پایان عمل و عکس‌العمل رفتار می‌کند.» (مسیح، ۱۴۰۰: ۳)

«مهم‌ترین خصوصیت اثر رئالیستی توصیف انسان به صورت موجودی اجتماعی است؛ به‌عبارت دیگر رئالیسم ریشه رفتار آدمی را در شرایط اجتماعی زمان جست‌وجو می‌کند.» (پرهام، ۱۳۶۰: ۴۶) کشف و بیان واقعیت/ توجه به محیط اجتماعی و تحلیل اجتماعی/ پرهیز از هرگونه توجه به تاریخ به‌عنوان زمینه‌ای برای آگاهی/ مشاهده دقیق و تشریح جزئیات/ توجه به سرزمین‌های واقعی خود و دیگران/ جست‌وجوی آینده/ معمولی بودن قهرمان در روایت/ توجه به عینیت مانند تماشاگر/ بیان روابط علی و معلولی در پدیده‌های اجتماعی از اصول مکتب رئالیسم است.

«رئالیسم هنگامی پا به عرصه ادبیات و شعر گذاشت که افراد جامعه به ضرورت شناخت نیروهای موثر در عملکرد مکانیسم اجتماعی پی‌بردند و این شناخت برای عموم وظیفه‌ای لازم شمرده شد.» (رافائل، ۱۳۵۷: ۱۲) «از جمله مضامین رئالیستی در شعر می‌توان به موارد زیر در اشعار آرش آذربیک اشاره کرد:

- توجه به کار، کارگر، قهرمانان کار و حرفه و رنج‌بر.

- دعوت به انقلاب

- نگرش ایدئولوژیک» (مسیح، ۱۴۰۰: ۲)

نمونه شعر رئالیستی آرش آذرپیک: «شاید که با قطار بیاید» در کتاب دوشیزه به عشق باز می‌گردد.

ت- **غزل مینی‌مال سمبولیستی**: نمادگرایی یا سمبولیسم یکی از مکاتب ادبی و هنری است که در پایان سده نوزدهم به‌وجود آمد و شارل بودلر پیش‌گام آن شد. به عقیده بودلر و پیروانش اثر هنری باید تا حد ممکن از بیان مستقیم مفاهیم فرار کند و به نمادها و نشانه‌ها پناه آورد. از نمونه غزل‌های سمبولیسم می‌توان به «هی آهن اتفاق افتاد» از *لیلازانا دختر اسطوره‌های سرزمین من* اثر آرش آذرپیک و «تا که اخواب باستان برخاست» از «دوشیزه به عشق باز می‌گردد» از آرش آذرپیک اشاره کرد.

ث- **غزل مینی‌مال اکسپرسیونیستی**: بیان‌گرایی یا اکسپرسیونیسم نام مکتبی هنری است که در آغاز قرن بیستم پا گرفت و برای اولین بار در تعریف برخی از نقاشی‌های اگوست پره، معمار معروف به‌کار رفت. هدف اصلی این مکتب نمایش درونی بشر، مخصوصاً عاطفی چون ترس، نفرت، عشق و اضطراب بود که در آن هنرمند برای القای هیجانات شدید خود از زنگ‌های تند و اشکال کج و معوج و خطوط زمخت بهره می‌گیرد و در شیوه سرایش غزل نیز حالات عاطفی هرچه روشن‌تر و صریح‌تر بیان می‌شود از نمونه شعرهای این نوع غزل می‌توان به «زن با صدای گیتار پرواز می‌کند» از دوشیزه به عشق باز می‌گردد از آرش آذرپیک اشاره کرد.

ج- **غزل مینی‌مال فانتزی**: در تعریف گونه هنری فانتزی یا خیال‌پردازی این گونه آورده‌اند که جادو و دیگر اشکال فراطبیعی را به‌عنوان عنصر اولیه طرح، درون مایه یا فضای داستان استفاده می‌کنند. در خیال‌پردازی، قواعد و قوانین فیزیکی و طبیعی زیر پا گذاشته می‌شود و موجودات ناموجود تصویر می‌شوند. ویژگی اصلی خیال‌پردازی، دارا بودن عناصر خیالی در فضایی خود منسجم است؛ فضایی که منطق و قوانین خاص خود را دارد که متفاوت با منطق عادی است از شاعران فانتزی‌نویس می‌توان به محمدسعید میرزایی و آرش آذرپیک اشاره کرد. از نمونه شعر فانتزی آرش آذرپیک «کت و شلوار تازه خود را» از دوشیزه به عشق باز می‌گردد است.

چ- **غزل مینی‌مال تمثیلی**: تمثیل علاوه بر شیوه بیان یکی از روش‌های تحلیلی اثر ادبی است. در واقع تمثیل، در فن بیان فارسی، یکی از انواع تشبیه است که وجه

سیر تکاملی غزل از «تغزل» در مکتب خراسانی تا «مینی مال تغزلی»

شبه در آن جنبه ترکیبی داشته باشد. به این معنی که شاعر بری بیان مقصود خود، سخنی به کار برده که می تواند مثالی برای اثبات معنی و مقصود او باشد و این تعریف با نظر کسانی که تمثیل را استدلال کرده اند؛ نزدیک است. استفاده از تمثیل به عنوان یکی از انواع تصویرهای خیالی در بیان شاعران فارسی زبان بسیار معمول و متداول بوده است و از قرن هفتم به بعد شاعران توجه بیشتری به آن نشان داده اند و در آثار شاعران قرن دهم تا دوازدهم، بیش از هر دوره دیگر به تمثیل بر می خوریم.» (عبدی مکنود؛ ماهی زاده، ۱۳۹۷: ۳) در شعر امروز قطعه از جمله غزل های تمثیلی است که به علت نداشتن دو المان قالبی و محتوایی در تاریخ، فرسنگ ها از قالب غزل عقب مانده به گونه ای که آخرین شاعر حرفه ای که قطعه را مطمح نظر قرار داد پروین اعتصامی بود و بعد از آن دیگر خبری از حضور جدی این قالب زیبا در شعر دری مشاهده نمی شود.

از این نمونه غزل نیز می توان به شعرهای «بچه ماهی» و «ناگهان شب شد خورشید شکست» از لیلیا زانا دختر اسطوره های سرزمین من از آرش آذرپیک اشاره کرد. در غزل تمثیل که از شاخه های جدی و پر بسامد غزل مینی مال از ۱۳۷۶ تا دقیقه اکنون است؛ تمثیل در فضایی به شدت عاطفی اما ناتعلیم گر و غیر نصیحت گرا ارائه می شود. بدین سان فضای کلی و تمثیل مند قطعه، به جای آنکه توسط قالب غزل کنار زده شود؛ به گونه ای هنرمندانه در آن ذوب می شود.» (محمدی، ۱۴۰۰: ۲۵۳)

۲-۲-۵-۳- تفاوت غزل مینی مال با غزل سنتی

در تاریخ ادبیات ایران، غزل هم پیکره ای به عنوان سیستم ادبی (قالب) دارد و هم روحی که اشکال گونه گون گرفته و وارد شاکله های مکتب عراقی، هندی و ... شده و با زیربنای توضیح، تشریح، اطناب و پریشان گوئی سامان یافته است. غزل مینی مال به سیستم غزل سنتی پایبند نیست بلکه روح و جان مایه تغزل آن را می پذیرد که این روح تغزل می تواند از دایره اطناب سرایی عاشقانه وارد ایجاز سرایی عاطفی که ضرورت عصر کنونی است بشود. از سوی دیگر مینی مالیسم نیز پیکره ای ایدئولوژیک دارد چرا که نظریه پردازان مکتب مینی مالیسم در غرب برای آنکه این جنبش جمعی را که زاده ضرورتی تاریخی در متن و بطن هنر، ادبیات، صنعت و ... بوده به عنوان

مکتبی مشخص و متمایز به ثبت برسانند اندک اندک برایش مانیفست‌های گونه‌گون نبشته و آن را مبدل به سیستمی ایدئولوژیک کردند اما غزل مینی‌مال مقید به سیستم ایدئولوژیک مینی‌مالیست نیز نیست و پیکره بی‌روح رئالیسم خشک را بر نمی‌تابد و روح «کم زیاد است» و عینیت، شفافیت، به‌حداقل رسانیدن توضیح، تشریح و ... آن را باور دارد و تا جایی که مخل معنا و بعد ثابت عاطفی آن سانتی مانتال و پوپولیستی نیست (منظور احساسات رمانتیک‌وار هست) نشود به آن پایبند ماند یعنی غزل مینی‌مال از نگره محتوا فراسیستمی و فراایدئولوژیک است. غزل مینی‌مال با آنکه از تمامی تکنیک‌های نویافته مینی‌مالیسم، چه در ساحت شعر و چه در ساحت داستان بهره‌مند است اما به هیچ وجه به ماتریالیسم پنهان و کلمه‌ابزاری عریان آن معتقد نیست و بر بنیان انسان‌کلمه و کلمه‌مادری در عالم هستی شناس خویش استوار بوده و بنا بر دکترین انسان-کلمه به کلمه-شهروندی و ضرورت وحدت ابیات در یگانگی متن غزل باورمند است؛ یعنی وجود عریان کلمه در بستری از تغزل شرقی نمود و ظهوری مینی‌مالیستی یافته و به‌عبارت دیگر دارای کشف و شهودهای اشراقی با رویکردی مینی‌مالیستی است.

یاکوبسن عقیده دارد که «زبان تغزل، استعاری است اما زبان در غزل مینی‌مال با آنکه به شدت تغزلی بوده؛ بیشتر از آنکه همانند تمام غزلیات تاریخ ادبیات ایران در تمامی مکاتب و سبک‌های قدیم و جدید بر بنیان زبان استعاری باشد؛ رویکردی متفاوت را پیش گرفته و به همان وحدت به زبان مجازی گرایش و تکیه دارد که البته این به معنای محدودسازی افراطی استعاره‌اندیشی در غزل مینی‌مال نیست.» (آذریک، ۱۳۹۹: ۱۰۱)

۳- نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه گفته شد گاهی به‌نظر می‌رسد سرایش غزل مبتنی بر اطناب از دیرباز نوعی تمرین نوشتاری بوده که در هیئت اطناب هنری رخ نمایان می‌کرد؛ در واقع سرودن غزل برای شاعران آن دوره وسیله‌ای برای سرشناس شدن بود تا تحول شعری، از گفتن و شنیدن مطالبی که دیگران بارها و بارها گفته‌اند نه تنها خسته

نمی‌شدند بلکه خارج از این چهارچوب را نفی می‌کردند؛ چه بسا که در عصر حاضر نیز شاعران ما به غزل نوین روی خوش نشان نمی‌دهند و به‌جای اینکه نظاره‌گر افق‌های دور باشند چشم انتظار دوره‌ بازگشتی دیگر هستند. غزل امروز از لحاظ فرم ظاهری تفاوت چندانی با غزل دیروز ندارد آنچه اسباب تفاوت بین غزل سنتی با غزل این دوره شده است در فرم درونی آنهاست و این امر امکان پذیر نمی‌شود مگر اینکه با زبانی نو به سراغ درون مایه‌های امروزی بروند.

امروزه شاعر در به‌کار بردن واژه‌ها محدودیتی ندارد و هر واژه که متناسب با فضای شعرش باشد را انتخاب می‌کند و بی‌هراس از هر واژه می‌تواند حتی از قافیه‌های غیر متعارف نیز در شعر خود بهره ببرد.

مهم‌ترین ویژگی غزل امروز گشت‌وگذار در عرصهٔ زبان، فرهنگ عامه، نقصان‌های اجتماعی و عاطفی و از درون به برون راه یافتن است و در واقع هر شعری با ذهنیت شاعر، در ارتباط با واقعیت در حال وقوع و عجین شده با زندگی‌اش پیوند دارد. آخرین تحولاتی که در دو دههٔ اخیر به‌وجود آمده تغییراتی است که به لطف انعطاف‌پذیری و خارج شدن از هیئت اطناب در قالب غزل مینی‌مال به‌عنوان پرکاربردترین قالب به حیات ادبی خود ادامه دهد. در واقع این نوع دگردیسی رویدادی تکنیکی است که با اندیشهٔ فرا مرد تاریخ ادبیات ایران، استاد آرش آذرپیک ظهور کرد و در ساحت اندیشگانی ایشان از حرکت باز نمانده و نوعی دیگر از تکامل را آغاز کرده است.

کتاب‌شناسی

کتاب‌ها

۱. آذرپیک، آرش (۱۳۸۳)، *لیلا زانا دختر اسطوره‌های سرزمین من*، قم: مؤلف.
۲. آذرپیک، آرش (۱۳۹۷) *دوشیزه به عشق باز می‌گردد*، کرمانشاه: دیباچه.
۳. آذرپیک، آرش (۱۳۹۹)، *و آن‌گاه شیخ اشراق عاشق می‌شود*، تهران: مهر و دیباچه.
۴. پرهام، سیروس (۱۳۶۰)، *رنالیسم و ضد رنالیسم در ادبیات*، تهران: آگاه.
۵. ررافائل، ماکس (۱۳۵۷)، *تاریخ رنالیسم*، ترجمه محمدتقی فرامرزی، شاه‌آباد: شباهنگ، چاپ دوم.
۶. شمیسا، سیروس (۱۳۷۰)، *سیر غزل فارسی*، تهران: فردوس، چاپ سوم.
۷. شمیسا، سیروس (۱۳۸۳)، *سبک‌شناسی شعر*، تهران: نشر میترا.
۸. شمس قیس رازی، شمس‌الدین محمد (۱۳۳۸)، *المعجم فی معاییر اشعارالعجم*، به کوشش محمدتقی مدرس رضوی، تهران: دانشگاه تهران.
۹. صفا، ذبیح‌الله (۱۳۶۴)، *تاریخ ادبیات در ایران*، تهران: فردوسی.
۱۰. غلامی، رحمت (۱۳۹۸)، *دوست داشتنت اتفاق است؛ می‌افتد*، مجموعه غزل، تهران: نودا.
۱۱. کریمی، سمیه (۱۴۰۱)، *تطور غزل دری از آغاز تا دقیقه‌اکنون*، در دست چاپ.
۱۲. محمدی، حمزه (۱۴۰۰)، *دکترین‌های ادبی آرش آذرپیک در مکتب عربانیسم از سال ۱۳۷۶ تا ۱۴۰۰*، تهران: امید سخن.
۱۳. مسیح، نیلوفر (۱۴۰۰)، *نقد رنالیستی اجتماع در بافت تغزلی غزل مینی‌مال و گفتار*، سایت مکتب اصالت کلمه.
۱۴. نوربخش، مرتضی (۱۳۹۶)، *در کوچه‌های غزل*، تهران: سوره مهر.

مقاله‌ها

۱. عبدی‌مکوند؛ اسماعیل، ماهی‌زاده، شقایق (۱۳۹۷)، *واکاوی تمثیل در غزل معاصر ایران*، فصل‌نامه تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی، شماره سی و هفتم، ۸ - ۲۲.

سیر تکاملی غزل از «تغزل» در مکتب خراسانی تا «مینی مال تغزلی»

۲. مهدی پور، پریرسا (۱۳۹۲)، **مکتب وقوع یا واسوخت**، سبک رایج در اشعار قرن دهم هجری، مجموعه مقالات هفتمین همایش پژوهش‌های ادبی، ۱۷۲۳-۱۷۲۸.

